

جانشین رئیس سازمان اطلاعات سپاه خبر داد
**کشف شبکه فساد بانکی
با ۱۰ هزار میلیارد بدهی**

صفحه ۲

تئیه‌های امروز

اظهارات حسن روحانی در اهواز در باره
نتیجه ترک «معروف» و ترویج «منکر»

این گردوغبار عذاب الهی است



صفحه ۵

اعتراض نماینده اصلاح طلب اهواز
به رئیس سازمان محیط‌زیست

خانم ابتکار چرا دروغ می‌گوی؟!

صفحه ۴

نگاه امروز

اهواز در غبار!

محمدحسین نظری

برای ابرویش که کاری نکردند هیچ، چشمش را هم کور کردند! این است هنر اهل «تدبیر». الغرض! ظاهر ماجرا این است که ماقبل توافق، بحران آب خوردن بود و می‌رفت که مردم از بی‌آبی تلف شوند. وانگهی! ندا آمد که این نیز همچون تحریم‌ها حل نشود الا به توافق با مجموعه ۵ به علاوه یک ابرقدرت جهانی. اینکه همان وقت، صدر تا ذیل نظام متذکر شدیم تمام مسائل را نندید بیخ ریش توافق، بماند اینکه اندک زمانی بعد، اهل توافق، منتقدان توافق را کاسبان تحریم خواندند و جنگی را حواله به جهنم دادند هم بماند. و هم بماند رسوا شدن کاسبان واقعی تحریم و دست آخر آب بستن کدخدا به متن و روح توافق. همه اینها بماند و شرح خروار خروار دیگر خون دل که به وقتش سرریز خواهد کرد، لکن فی‌الحال نه با توافق کاری دارم و نه با آب خوردن. می‌خواهم حکایتی بگویم بس غریب‌تر از ایسن قصه‌ها. حکایت جماعتی که به جای هوا، روز و شب خاک می‌خورند. قصه مظلومیت مردمانی که گاه جنگ از غیرتشان هیچ کم نگذاشتند، چنانکه جان دادند اما یک وجب از کارون و اروند را نه، می‌خواهم از مظلومیت خوزستان بگویم و از صفای دل مردمانش، از وارثان علم‌الهدی و جهان‌آرا، از اهواز و اندیمشک و از خرمشهر و آبادان. عزیزی که در این سال‌های جنگ بیش از همه ما زحمت کشیدند و خون دل خوردند و بیش از همه ما حق آب و گل دارند از خاک وطن. اما در حالی که نفس کشیدن کمترین حق آدمی است، حتی این کمترین هم دریغ می‌شود از اهالی غیرتمند این سرزمین. و این همه، جای تاسف دارد.

من اما غیظه می‌خورم به احوال اینها! غیظه به غیرت این مردم که قطع آب و برق و گاز هم مانع آنها برای خلق حساسه ۲۲ بهمین نشد و حتی قطع تنفس! حضور در صحنه در چنین شرایطی چه معنایی جز غیرت و شرافت اهالی خوزستان دارد؟ مگر این تجلی همان کلام امام(ره) نیست که «انقلاب ما، انقلاب مستضعفان و پابرهنگان است؟» ماندام با این سطح از آگاهی عمومی و با این شدت وفاداری به انقلاب، اصلاً «اشتی ملی» چه محلی از اعراب دارد؟ آقایان قیاس به نفس می‌کنند.

اگر نه در این نزدیک به ۴۰ سال کجا سراغ دارید قهر مردم را با نظام جمهوری اسلامی؟ مثلاً هم امسال بود که عکسی از یک تابلونوشت راهپیمایی ۲۲ بهمین در رسانه‌ها منتشر شد که «مسئولان ذوق نکنند، مسا به خاطر جمهوری اسلامی آمدیم»، تمام حرف همین است، این یعنی حساب انقلاب از دولت و مسئولان جداسد و اگر گله‌ای هم هست با همین مسئولان است. و این یعنی خط بطلان بر ادعای «اشتی ملی». بساری! در چنین شرایطی قهر با مسئولان و کارگزاران دور از انتظار نیست. قهر با مسئولانی که برای مشکلات مردم جز وعده و وعید چیزی در چنته ندارند کمترین واکنش است. مسئولانی که بر کرسی‌های ریاست‌شان آنچنان به خواب زمستانی فرو رفته‌اند که در حالی که خوزستان را خاک برده، آنها را خواب برده است.

ادامه در صفحه ۵

با حضور ۳ هزار نفر از سراسر کشور
اولین نشست مجمع ملی جبهه مردمی نیروهای انقلاب
با انتخاب اعضای شورای مرکزی برگزار شد

گام اول

صفحه ۲



اصلاح ساختار به جای ابراز شرمندگی

از بهزیستی به آموزش و پرورش

۳- استفاده از پرسنل ارزان و غیرحرفه‌ای
۴- رواج الگوهای تربیتی سکولار طبق سرفصل‌های
یونیسف و یونسکو در آموزش کودکان
۵- ناکافی بودن سیستم‌های ارزیابی و گزینش و
نظارتی

به نظر می‌رسد اصل ماجرا در غیر تخصصی بودن سازمان متولی امور مهدهای کودک خلاصه می‌شود. در حوزه صدور مجوز نیز کماکان مشکلات جدی وجود دارد. در ایران مرکزی مانند سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد)، مؤسسات فرهنگی و خانه‌های کودک در زمینه تربیت و نگهداری کودکان زیر ۷ سال فعالیت می‌کنند که مجوز خود را به واسطه توافقات صورت گرفته با بهزیستی، از نهادهایی نظیر سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان محیط زیست، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شهرداری دریافت کرده‌اند.

■ آموزش یا تولید آسیب؟
درباره نهادهای صادرکننده مجوز جزئیات دقیقی در دست نیست اما به گفته برخی کارشناسان حدود ۱۴ نهاد به مراکز با کارکرد مهد کودک مجوز می‌دهند. همچنین دستورالعمل‌های صدور مجوز و نظارتی نیز قدیمی و بیشتر متناظر بر شرایط فیزیکی مهدهاست و رویکرد دقیقی در بخش محتوای آموزشی و گزینش و آموزش تخصصی مربیان مشاهده نمی‌شود. چنین فضای مبهمی، زمینه فعالیت و ساختارسازی کسبانی را فراهم کرده که با چارچوب‌های عرفی و تعالیم اسلامی همراه نیستند و نظارت حاکمیتی یکپارچه را نیز به واسطه ضعف ساختار بهزیستی به عنوان سازمانی با هدف بنیادین «پیگیری و مبارزه با آسیب‌های

جریحه‌دار کرد، و اخباری دیگر از این دست. از اواخر دهه ۸۰ تاکنون اخبار دستگیری اعضای باند بهاییان فعال در مهدهای کودک به صورت منظم ادامه داشته و همزمان نیز سازمان‌های حقوق بشری، حمایت از به اصطلاح «فعالان حقوق کودک» را افزایش داده‌اند.

■ نظارت محدود
اینها تنها بخش کوچکی از ماجراهای چند سال اخیر در حوزه مهدهای کودک و سایر زیرمجموعه‌های بهزیستی است. البته بهزیستی هم بیکار نبوده، از الزام مهدهای کودک سه‌ستاره به نصب دوربین در اماکن نگهداری از کودکان تا اعلام شماره تلفن ۱۲۳ برای جمع‌آوری اخبار و شکایات مردمی و استفاده از ظرفیت انجمن اولیا و مربیان برای نظارت بر مهدها، تلاش‌های این سازمان برای کاهش پرونده‌ها بوده است. اما گره کار کجاست که کماکان فردی بدون آموزش کافی و گزینش دقیق، تحت عنوان «کارآموز» در مهد کودکی سه‌ستاره در پایتخت زیر نظارت دوربین‌ها «کودک‌آزاری» می‌کند و کار به جاهای باریک می‌کشد؟ چرا به‌رغم اظهار نظر مکرر مسئولان و قول پیگیری پرونده‌ها، باز هم به حجم اخبار بد افزوده می‌شود؟

■ تلخ و تکرار شونده
این نخستین بار نیست که اخبار هولناکی از مهدهای کودک، جامعه ایرانی را شوک زده می‌کند و قطعاً با ادامه روند فعلی آخرین مورد نیز خواهد بود. اخبار منفی این حوزه در سالیان اخیر تأثیر عمیقی بر جامعه داشته است.

۲۴ مهر ۹۴، ذکایی‌فر، مدیر کل کودک و نوجوان سازمان بهزیستی از شناسایی ۱۰۰ مهد کودک غیرمجاز خبر داد! تیر ۹۳ انتشار فیلم کودک‌آزاری در مهد کودکی در اردبیل روح و روان ایرانیان را

■ اشکالات ساختاری
در گزارش شورایی انقلاب فرهنگی از وضعیت حاکم بر مهدهای کودک ۵ سرفصل آسیب‌شناسی شده است:

۱- برنامه‌های نامتناسب با شئون اسلامی اعم از رقص و موسیقی
۲- اجرای فعالیت‌های فربکارانه با رویکرد اقتصادی

سلامت اخلاقی و روانی، اجباری است.

طرح‌های ارزشمند

با اتکا به همین موارد مهم و مغفولات عملیاتی بود که شورایی انقلاب فرهنگی بدرستی به مساله ساماندهی آموزش کودکان ورود کرد و وجوه مختلف این امر را از منظر قانونی و اسناد بالادستی و همچنین وضعیت میدانی و واقعیت‌های موجود از طریق پژوهش‌ها و ارزیابی کارشناسی مورد بررسی قرار داد اما متأسفانه مطابق رویه چند سال اخیر هنوز طرح مهم ساماندهی وضعیت مهدهای کودک و انتقال حوزه تربیت مربی، آموزش و نظارت بر مهدهای کودک به زیرمجموعه وزارت آموزش و پرورش تعیین تکلیف نهایی نشده است.

این تعلل در شرایطی بروز یافته که در حال حاضر، از نظر سیاست‌های کلان تکلیف مشخص شده و تنها قدم باقیمانده حرکت به سمت تدوین و ارائه دستورالعمل‌های عملیاتی برای اجرای سیاست‌های مصوب با همکاری مشترک شورا و دولت است. این امر وظیفه شورایی انقلاب فرهنگی است که برای برون‌رفت از این فضای چالشی و رفع ابهامات، یکپار برای همیشه متولی تعلیم و تربیت پیش از دبستان را مشخص کند و کار کارشناسی آغاز شده را با موفقیت به پایان برساند. غیر از این اگر باشد مطابق رویه یک دهه اخیر، سازمان بهزیستی ناگزیر از عذرخواهی مکرر از محضر ملت است و دستگاه‌های امنیتی نیز باید نظام مشخص و قوانین سختگیرانه‌ای حاکم است. در این کشورها متولی صدور مجوز عمدتاً وزارت آموزش و نهادهای تابعه است. به عنوان نمونه در کانادا و آمریکا مقررات چنان سختگیرانه است که برای نگهداری خانگی بیش از ۵ کودک زیر ۱۰ سال، کسب مجوز و گذراندن دوره‌های آموزشی و

اجتماعی» عمل‌ناامکن کرده است. بسا این احتساب تطبیق اهداف آموزشی با دستورالعمل‌های سازمان‌های بین‌المللی خارجی اعم از یونیسف و یونسکو و خودمختاری نسبی مهدها در انتخاب روش‌های عملی و جذب و استخدام مربی از میانه غیرمتخصصان کمتر آموزش دیده، عجیب نیست! پس تعدد متولیان و غیر تخصصی بودن نگاه بهزیستی به مقوله تربیت و آموزش کودکان از مهم‌ترین مسائل در حوزه آسیب‌شناسی وضعیت نابسامان کنونی است.

حساسیت این مساله تا بدانجاست که مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر در بیانات خود به آن اشارات مهمی داشته‌اند و «مهدهای کودک» را یکی از زمینه‌های «فوق‌ذ» برشمردند ضمن اینکه اهمیت این موضوع در مفاد سیاست‌های کلی تحول در آموزش و پرورش نیز مورد توجه ایشان قرار گرفته به نحوی که مطابق تفسیر قانون اساسی و ابلاغ سیاست‌های کلی، مهدهای کودک و پیش‌دبستانی اموری حاکمیتی و با مسؤولیت وزارت آموزش و پرورش ارزیابی شده است.

■ حساسیت غربی
بررسی تجربیات جهانی نشان می‌دهد در کشورهای پیشرو نظیر فرانسه و ایتالیا نیز در تربیت یک تا ۳ سال نخست زندگی کودکان، نظام مشخص و قوانین سختگیرانه‌ای حاکم است. در این کشورها متولی صدور مجوز عمدتاً وزارت آموزش و نهادهای تابعه است. به عنوان نمونه در کانادا و آمریکا مقررات چنان سختگیرانه است که برای نگهداری خانگی بیش از ۵ کودک زیر ۱۰ سال، کسب مجوز و گذراندن دوره‌های آموزشی و

www.vatanemrooz.ir

تهدید تولید ملی
خرید کالای خارجی!
0 107354 683291